

## وضعیت تحقیقات اجتماعی در ایران

دکتر محسن علینی

عضو هیئت علمی وزارت جهاد کشاورزی

در جوامع امروزی، جامعه‌شناسی از نقش و جایگاه خاصی برخوردار است و در جهت توصیف و تبیین پدیده‌های اجتماعی و ارائه راه‌حلهای مناسب نوعی شناخت علمی به دست می‌دهد که حصول آن از هیچ طریق دیگری میسر نیست؛ بنابراین، امروزه تئوریا و یافته‌های جامعه‌شناسی و تحلیلهای علمی آن اصل ترین پایه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی - انسانی و پیش‌بینی هرگونه دخل و تصرف در فرایند پدیده‌های اجتماعی به شمار می‌روند.

از سوی دیگر، توسعه جامعه‌شناسی و ضرورت بررسی مسائل اجتماعی از دیدگاه علمی و علاقه‌مندی دولتمردان به مطالعات اجتماعی و علمی موجب پدید آمدن مراکز تحقیقاتی شده است؛ به طوری که در حال حاضر، اغلب وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتها و نهادهای دانشگاهی به نوعی اقدام به تأسیس بخشهای تحقیقات اجتماعی نموده‌اند. در این بررسی ضمن توجه به سابقه و ریشه‌های شکل‌گیری این مراکز و مؤسسات تحقیقاتی، سیاستها و برقراری تحقیقات اجتماعی در ایران مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: تحقیقات، تحقیقات اجتماعی، سیاستها و برنامه‌های تحقیقاتی، ساختار تحقیقاتی پژوهش اجتماعی در ایران

### رتال جامع علوم انسانی

#### مقدمه

مسائل و مشکلات خاص خود را به جامعه تحمیل می‌کند [۱].

بر این اساس، همان‌طور که علم جامعه‌شناسی محصولی وارداتی است، تحقیقات اجتماعی منشعب از آن و مراکز و سازمانهای تحقیقات اجتماعی نیز بر اساس ضرورتها و نیازهای اجتماعی و برای کاهش تنشها و آسیبهای اجتماعی شکل نگرفته‌اند؛ بنابراین، تحقیقات اجتماعی در ایران، امری نهادینه تلقی نمی‌شود. گرچه امروزه، با رشد کمتی تعداد فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم اجتماعی و نیز تأسیس مراکز متعدد تحقیقاتی، طرحهای پژوهشی

سیر تحول جامعه‌شناسی در کشورهای پیشرفته نشان داده است که این رشته علمی از توانایی بالایی برای پاسخگویی به بسیاری از مسائل اجتماعی برخوردار است. جامعه‌شناسی چنانچه بتواند جایگاه اصلی خود را در جامعه پیدا کند، می‌تواند به عامل تعیین‌کننده‌ای در جهت کاهش تنشها و آسیبهای اجتماعی آن جامعه تبدیل شود. برعکس کشورهای غربی، در ایران، جامعه‌شناسی رشته در شرایط و زمینه‌های اجتماعی ندارد، بلکه علمی وارداتی است و هیچ نوع سنخیتی با فرهنگ، گشت و طرز فکر و تلقی جامعه ندارد، در واقع علم وارداتی

متعددی اجرا شده و بهبودی اندکی در شرایط محققان این حوزه و نیز طرز تلقی سیاستمداران، مجریان و برنامه‌ریزان اقتصادی - اجتماعی صورت گرفته است، اما هنوز فاصله نسبتاً زیادی تا تحقق شرایط بهینه و مطلوب در این حوزه علمی وجود دارد. در این بررسی، در حد امکان سعی خواهد شد، علل و عوامل مؤثر بر این نابسامانی و نبود جایگاه مناسب تحقیقات اجتماعی در سازمانهای اجرایی و دانشگاهی بررسی شود و تصویری از سیاستها و برنامه‌های تحقیقات اجتماعی در کشور ارائه گردد.

### سابقه تاریخی تأسیس مراکز تحقیقات اجتماعی در ایران

در ایران به رغم قدمت و عمق و گستردگی تفکرات اجتماعی ما قبل جامعه‌شناسی، تاریخ جامعه‌شناسی به معنی امروزی آن محدود به چند دهه اخیر و دوره تماس جامعه ایران با جوامع صنعتی توسعه یافته بوده است. در این دوران، شکافی عمیق بین تاریخ تفکرات اجتماعی و رشته علمی جامعه‌شناسی به وجود آمده است [۲]. بر این اساس پیدایش علوم اجتماعی به طور کلی و جامعه‌شناسی به طور اخص در ایران در ارتباط با ظهور دولت نوین بر اساس الگوهای سازمانی غرب، شکل گرفته است. به قدرت رسیدن خاندان پهلوی در سال ۱۳۰۴ با تمرکز قدرت سیاسی و گسترش دولت نوین ملی همراه بود. ظهور دولت در ایران دو مشخصه اصلی مرکزی شدن و اداری شدن را به همراه داشت. رشد دولت نیرومند مرکزی نیازمند ایجاد نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نوین بود. این امور نه تنها به برنامه‌ریزی اجتماعی عقلایی و نوعی مهندسی اجتماعی احتیاج داشت بلکه نیازمند جمع آوری و تحلیل اطلاعات جمعیت‌شناسی نیز بود. از سوی دیگر، سیستم اداری دولتی جدید، نیازمند افرادی بود که از الگوهای سازمان اقتصادی و اجتماعی غربی اطلاعات کافی داشته باشند. این اطلاعات و آموزشها می‌بایست از طریق آموزش علوم اجتماعی (شامل جامعه‌شناسی) در دانشگاههای کشور تأمین می‌شد [۳].

برعکس کشورهای غربی در ایران جامعه‌شناسی ریشه در شرایط و زمینه‌های اجتماعی ندارد، بلکه علمی وارداتی است و هیچ نوع سختی با فرهنگ، گذشته و طرز فکر و تلقی جامعه ندارد، در واقع علم وارداتی، مسائل و مشکلات خاص خود را به جامعه تحمیل می‌کند

بدین ترتیب، بر اثر توسعه جامعه‌شناسی و ضرورت بررسی مسائل اجتماعی از دیدگاه علمی و همچنین به لحاظ سیاسی، علاقه مندی دولتمردان به مطالعات علمی افزایش یافت و این امر زمینه‌ساز تأمین مراکز تحقیق اجتماعی در ایران گردید. طی سالهای دهه ۱۳۴۰ فرایند علمی کردن سازمانهای دولتی و خصوصی، همچنین گوشش فراوان برای تعیین سیاستهای اجتماعی بر اساس بررسی‌های عمومی و نیز عقلایی کردن تصمیم‌گیریها در ادارات دولتی و خصوصی همه در ایجاد توجه و تقاضای بیشتر برای تحقیقات اجتماعی تأثیر داشتند.

در این دوران همچنین تحولات نهادی در حال شکل‌گیری بود که موقعیت تحقیق اجتماعی را در جامعه محکم کرد. این تحولات شامل شکل‌گیری وزارت علوم و آموزش عالی در سال ۱۳۴۶، همراه با تأسیس مؤسسه تحقیق و برنامه‌ریزی در علوم و تعلیم و تربیت و ایجاد صندوق تحقیق ملی به منظور پیشرفت و توسعه تحقیق در وزارت فرهنگ و آموزش عالی در سال ۱۳۵۰ می‌شد [۴]. اما اولین مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۳۷ در دانشگاه تهران تأسیس شد. این نهاد اولین مرکز تحقیقات اجتماعی در ایران بود و در طول بیست سال فعالیت خود تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بالغ بر هشتصد کار تحقیقاتی در گروههای

در ایران به رغم قدمت و عمق و گستردگی تفکرات اجتماعی ما قبل  
جامعه‌شناسی، تاریخ جامعه‌شناسی به معنی امروزی آن محدود به چند دهه اخیر و  
دوره تماس جامعه ایران با جوامع صنعتی توسعه یافته بوده است. در این دوران  
شکافی عمیق بین تاریخ تفکرات اجتماعی و رشته علمی جامعه‌شناسی  
به وجود آمده است

در مجموع بر اساس گزارشهای موجود تا قبل از  
پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۳۲ نهاد در رابطه با  
پژوهشهای فرهنگی و اجتماعی وجود داشته است. عمده  
این نهادهای تحقیقاتی به سازمانهای دولتی وابسته بودند.  
بعد از انقلاب با توجه به اینکه احساس شد این نهادها  
نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای تحقیقاتی در کشور باشند  
بالغ بر ۲۰ نهاد تحقیق اجتماعی دیگر نیز تأسیس شد.  
مجموع این ۵۲ نهاد بخشهای تحقیقی ادارات اجرایی و  
علمی ایران را شامل می‌شدند که اغلب آنها تحت نظارت  
وزارتخانه‌های دولتی و یا دانشگاهی تحت کنترل دولت  
بودند. به طور کلی، دولت همواره به طور مستقیم و غیر  
مستقیم کار فرمای تحقیقات علوم اجتماعی بوده است [۶].

افزایش توجه به تحقیقات اجتماعی بعد از انقلاب  
باعث افزایش تعداد نهادهای تحقیقاتی شد. بخشی از  
این علاقه به دلیل ماهیت و وضعیت انقلابی بود که در آن  
مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دولت قبلی  
آشکار می‌شد؛ بخش دیگر آن نیز به ماهیت انقلابی  
دولت جدید ارتباط می‌یافت که وعده بهبود شرایط  
زندگی را به مردم می‌داد. علاوه بر این، وقوع جنگ،  
منابعی را که برای اصلاح مشکلات اجتماعی قبل از  
انقلاب لازم بود، از بین برد. این مسئله، مشکلات جدیدی  
را به وجود آورد که نیاز به چاره‌جویی داشت. طرحهای  
بسیاری به منظور بررسی مشکلات روان‌شناختی و  
اقتصادی - اجتماعی ایجاد شده جنگ از سوی  
سازمانهای مذکور به مورد اجرا در آمد [۶].

مختلف جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی روستایی،  
جامعه‌شناسی عشایری، جمعیت‌شناسی، آسیب‌شناسی  
اجتماعی، روان‌شناسی اجتماعی، مردم‌شناسی،  
جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی سیاسی و چند گروه  
دیگر به انجام رسانید. دوره فوق‌لیسانس علوم اجتماعی  
در مؤسسه مزبور تأسیس گردید و اولین پیوند بین  
آموزش و پژوهش در علوم اجتماعی ایجاد شد. این  
مؤسسه، علاوه بر بودجه‌ای که از دانشگاه تهران دریافت  
می‌کرد خود نیز به عقد قراردادهای تحقیقاتی با  
وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و بخش خصوصی و به  
ویژه سازمان برنامه و بودجه دست زد و با این کار هفت  
نازدهای به تحقیقات اجتماعی بخشیده شد [۵].

پس از این مؤسسه، مؤسسه آموزش و تحقیقات  
تعاونی در سال ۱۳۴۶ تأسیس شد. پس از این دو و با  
توجه به موفقیتی که این مجموعه‌ها در حوزه تحقیقات  
اجتماعی به دست آوردند، محققان آزاد نیز به تأسیس  
مؤسسات و پژوهشکده‌ها روی آوردند و به کار  
پرداختند؛ به عنوان مثال می‌توان از پژوهشکده دهقانی،  
پژوهشکده ارتباط اجتماعی، پژوهشکده فرهنگ،  
پژوهشکده جمعیت و برنامه‌ریزی و... نام برد. برخی از این  
مراکز به طور مستقیم یا غیر مستقیم با مراکز تحقیقاتی در  
کشورهای امریکایی و اروپایی خصوصاً فرانسه به طور  
مشترک به فعالیت پژوهشی می‌پرداختند. این مؤسسات  
علاوه بر پژوهش، آثار ارزنده‌ای در زمینه جامعه‌شناسی و  
تحقیقات اجتماعی ترجمه و منتشر کردند [۵].

اما اولین مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۳۷ در دانشگاه تهران تأسیس شد. این نهاد اولین مرکز تحقیقات اجتماعی در ایران بود و در طول بیست سال فعالیت خود تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بالغ بر هشتصد کار تحقیقاتی به انجام رسانید

### ساختار تحقیقاتی کشور

سیاستها و برنامه های تحقیقاتی کلان کشور یکی از گامهای اساسی در جهت تقویت و پشتیبانی از نظام تحقیقاتی کشور ایجاد شورای پژوهشهای علمی کشور پس از انقلاب بود. این شورا به عنوان سیاست گذار برنامه های پژوهشی کشور کوشیده است در خلال سالهای فعالیت خود آئین نامه ها، قوانین و مقررات مربوط به حوزه تحقیقات را تدوین نماید. یکی از مهم ترین اقدامات این شورا تدوین برنامه ملی تحقیقات در سال ۱۳۷۵ است که این برنامه در قالب تبصره ۶۳ قانون بودجه سال ۱۳۷۶ کل کشور به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این برنامه با آینده نگری در چارچوب اولویتهای تحقیقاتی مورد نیاز کشور و با همکاری پژوهشگران برجسته و استادان و صاحب نظران از کلیه دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی تدوین شده است [۷].

به طور کلی، اهداف، سیاستها و جهت گیریهای تحقیقاتی کشور به شرح زیر قابل پی گیری هستند.

#### الف) اهداف کیفی:

محورهای اصلی عبارت اند از:

۱. تحقق استقلال فکری - فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه
۲. اعتلای موقعیت علمی کشور در سطح بین المللی و تفوق علمی و فناوری در سطح منطقه

۳. افزایش کارایی و ثمربخشی تحقیقات در تأمین انتظارات جامعه و نیازهای برنامه توسعه کشور
  ۴. ارتقاء کیفی آموزش و افزایش تولیدات علمی
  ۵. اشاعه فرهنگ علمی در تصمیم گیرها و اداره امور کشور
  ۶. توسعه و نهادینه کردن فناوریهای مورد نیاز
  ۷. توسعه نیروی انسانی با تأکید بر گسترش و ارتقاء کیفی سطح تحصیلات تکمیلی
  ۸. بهبود شاخصهای پژوهشی و ارتقاء آنها به سطح کشورهای در حال توسعه موفق.
- ب) اهداف کمی:

اهداف کمی بخش تحقیقات عبارت است از:

۱. افزایش سهم اعتبارات تحقیقاتی از میزان فعلی تا حداقل ۱/۵ درصد تولید ناخالص داخلی در پایان برنامه سوم
  ۲. رسیدن به حد تعادل سرمایه گذاری، حداقل یک سوم اعتبارات تحقیقات برنامه سوم از سوی بخش غیردولتی
  ۳. افزایش سهم اعتبارات تحقیقات بنیادی از وضعیت فعلی به میزان ۱۵ درصد از کل اعتبارات طرحهای تحقیقاتی
  ۴. رسیدن به هدف افزایش کمی محققان تمام وقت از میزان فعلی به سطح دو برابر در پایان برنامه سوم با تأکید بر بهبود کیفیت و توسعه منابع انسانی پژوهشی
  ۵. رسیدن به هدف افزایش نیروی قس و پشتیبانی تحقیق متناسب با افزایش محققان در پایان برنامه سوم.
- تحقق اهداف توسعه تحقیقات در کشور منوط به اتخاذ سیاستهای متناسب با نظام تحقیقاتی، جهت گیری و اولویتهای فرهنگی و آموزشی کشور، منابع و زیرساختها، قوانین و مقررات، ارتباطات با دنیای علم و فناوری، مدیریت و بهروری و تربیتی آن است. بر این اساس، نظام تحقیقات کشور سیاستهای زیر را دنبال می کند:
۱. تمرکز در سیاست گذارهای کلان تحقیقات و هدفنگی این سیاستها با امور فرهنگی، آموزشی و فناوری

۲. عدم تمرکز در اجرا و واگذاری حداکثر اختیارات به دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی در چارچوب ضوابط و سیاستهای عمومی کشور

۳. ایجاد یک نهاد کارآمد به عنوان هماهنگ کننده امور اجرایی تحقیق و فناوری

۴. تقویت جایگاه بخش غیردولتی در تمام تحقیقات کشور

۵. گسترش مشارکت متخصصان و صاحب نظران به صورت نهادینه و مستمر در فرایند تصمیم گیریهای تحقیقات کشور

۶. ایجاد یک نظام اطلاعاتی و ارزیابی کارآمد به منظور تدوین گزارشهای سالانه تحقیقات و ارزشیابی عملکرد پژوهشی کشور.

تحقیقاتی بخشهای اجرایی و اداری کشور و انعکاس آن به دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی کشور

۳. بهره مندی متناسب محققان از منافع مادی و معنوی نتایج تحقیقات و بازنگری و اصلاح قوانین مربوط به حقوق پژوهشگران در زمینه آثار و نتایج تحقیقات

۵. تهیه گزارش سالانه برای ارزیابی میزان بهره برداری از نتایج تحقیقات و حصول اطمینان از اثر بخشی بودجه های تحقیقاتی

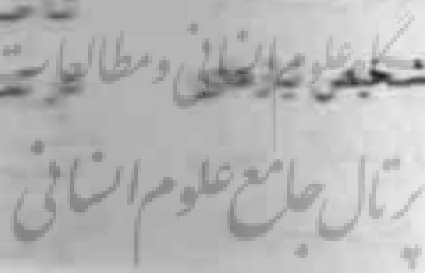
۶. ایجاد تسهیلات و اعطای حمایت های مالیاتی و بازرگانی به منظور تقویت توان رقابتی تولیدات و خدمات حاصل از تحقیقات [۸].

همچنین به منظور اثر بخشی و به کارگیری نتایج تحقیقات اقدامات و سیاستهای زیر دنبال شد:

۱. گسترش مراکز واسط تحقیقاتی و خدماتی و علمی - فنی (خصوصی و غیردولتی) میان دانشگاهها و سازمانهای اجرایی کشور به منظور بهره برداری و تجاری کردن نتایج تحقیقات
۲. تشویق و حمایت از اجرای پروژه های تحقیقاتی که در راستای رفع نیازهای جامعه و برنامه توسعه کشور تعریف گردد.
۳. ایجاد مکانیزمهای مناسب برای تشخیص نیازهای مطالعاتی و تحقیقاتی مراکز علمی، فنی و فرهنگی، بهبود

بدین ترتیب، به نظر می رسد شورای پژوهشهای علمی کشور و سایر سازمانها و ارگانهای ذی ربط به اندازه کافی آیین نامه ها، مقررات و ضوابط تدوین کرده اند ولی آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، از یک سو، تأخیر زمانی در اجرای تصمیم گیریها و آیین نامه ها و مقررات مذکور است و از سوی دیگر، کم توجهی به مصوبات و آیین نامه های کشور در حمایت و پشتیبانی از مراکز و مؤسسات تحقیقات دولتی به ویژه غیردولتی بوده است [۹].

در برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری سوم جمهوری اسلامی نیز تلاش به عمل آمد تا ضمن تقویت و اشاعه روح بررسی و پژوهش و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی و فرهنگی، بهبود



### افزایش توجه به تحقیقات اجتماعی بعد از انقلاب

باعث افزایش تعداد نهادهای تحقیقاتی شد. بخشی از این علاقه به دلیل ماهیت و وضعیت انقلابی بود که در آن مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دولت قبلی آشکار می شد بخش دیگر آن نیز به ماهیت انقلابی دولت جدید ارتباط می یافت که وعده بهبود شرایط زندگی را به مردم می داد

شاخصهای کمی و کیفی بخش تحقیقات مورد تأکید قرار گیرد، اما علی‌رغم اهمیت این موضوع اهداف کمی این بخش در برنامه اول و دوم توسعه تحقق نیافت و نیز توزیع بودجه تحقیقاتی کماکان فاقد اولویت‌بندی و بی‌توجه به نیاز و امکانات واقعی بخشهای اجرایی صورت پذیرفت [۱۰].

سازمانهای متولی حوزه تحقیقات و سیاست‌گذار در این بخش نیز عبارت‌اند از:

۱. شورای پژوهشهای علمی کشور
۲. فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی
۳. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی - دفتر امور پژوهشی.

به نظر می‌رسد شورای پژوهشهای علمی کشور و سایر سازمانها و ارگانهای ذی‌ربط به اندازه کافی آئین‌نامه‌ها، مقررات و ضوابط تدوین کرده‌اند ولی آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، از یک سو، تأخیر زمانی در اجرای تصمیم‌گیریهای مذکور و از سوی دیگر، کم‌توجهی به مصوبات و آئین‌نامه‌ها در حمایت و پشتیبانی از مراکز و مؤسسات تحقیقات دولتی به ویژه غیردولتی بوده است.

#### مراکز و مؤسسات تحقیقات اجتماعی وابسته به بخشهای اجرایی و دانشگاهی

۱. مراکز و مؤسسات دولتی: در ایران بخش عمده اعتبار و بودجه تحقیقاتی در اختیار مؤسسات و مراکز دولتی قرار دارد؛ به طوری که بالغ بر ۴/۱ درصد اعتبارات پژوهشی فقط به مراکز و مؤسسات غیردولتی اختصاص دارد.

همچنین بالغ بر ۹۱ درصد از کل کارکنان پژوهشی در بخش دولتی و فقط ۹ درصد در مؤسسات پژوهشی بخش خصوصی اشتغال به کار دارند؛ بنابراین متولی پژوهشهای اجتماعی، فرسنگی و اقتصادی در ایران دولت است که با تأسیس برخی مراکز پژوهشی در دانشکده‌ها و دانشگاهها یا وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی اقدام به انجام تحقیق در زمینه‌های مورد نظر می‌کند [۹].

اگر چه نقش دولت در فعالیتهای مربوط به علوم و تکنولوژی تعیین‌کننده است اما با وجود این، بر اساس گزارشهای موجود در کشورهای پیشرفته صنعتی سهم بخش خصوصی در این فعالیتهای روز به روز بیشتر می‌شود و از نقش دولت و تصدی‌گری آن به سرعت کاسته می‌شود. در ایران، دولت از طریق مؤسسات و مراکز آموزش عالی و دانشگاهها و نیز وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی اقدام به انجام تحقیقات اجتماعی می‌کند.

نظام آموزش عالی کشور با داشتن سابقه‌ای طولانی، آمار و ارقام بالای نیروی انسانی متخصص و کاردان و نیز دانشجویان در تمام رشته‌های دانشگاهی، گسترش کمی مؤسسات آموزشی و پژوهش در سالهای اخیر و علی‌رغم توجه جدی مدیران رده بالای جامعه به امر آموزش و پژوهش و علاقه‌مندی آنها به توسعه فرهنگی، آموزشی و پرورشی در جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است عملکرد مطلوب و مطلوبی داشته باشد. از جمله مهم‌ترین تنگناهای ساختاری این بخش می‌توان به مواردی نظیر کمبود اطلاعات واقعی از نیازهای واقعی جامعه، عدم انطباق محتوای فعالیتهای و نیازهای بخشهای اجرایی و جامعه، فرونی و برتری رشد کمی بر توسعه کیفی، حرکتهای افراطی و تفریطی در حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، نظام‌مند نبودن رفتارها، استفاده‌های انتخابی، نارسایی و کاستی در ایجاد روحیه پژوهش‌طلبی و دانش‌خواهی، نبود نظارت و ارزیابی مستمر از عملکرد مؤسسات آموزشی، رسوخ روحیه محافظه‌کاری در نظام آموزش عالی، گسترش روحیه تجارت‌گرایی و سودطلبی در فضای علمی، مشکلات معیشتی و... اشاره نمود [۹].

## متولی پژوهشهای اجتماعی، فرهنگی و

اقتصادی در ایران دولت است

در حالی که در کشورهای پیشرفته صنعتی

سهم بخش خصوصی در این فعالیتهای

روز به روز بیشتر می شود و از نقش دولت و

تصدی گری آن به سرعت کاسته می شود

در حقیقت پژوهش زیر بنای محکم آموزش است و

آموزش بدون پژوهش راه به مقصد نمی برد و در صورت

معضلات مختلف قرار می گیرد و شکست می خورد

بنابراین، در دانشگاهها باید آموزش در کنار پژوهش

طور تنگاتنگ حرکت نماید؛ چرا که پژوهش باید بر

اساس آموزش و مقدمه لازم و یا از جمله مبانی آموزش

به شمار می رود؛ بنابراین، لازم است ضمن رونق بخشیدن

به امر پژوهش، افزایش بودجه تحقیقاتی دانشگاهها و بالا

بردن انگیزه تحقیق در قشر دانشگاهی و بر طرف کردن

مشکلات و مسائل آنها مرزهای تحقیق و پژوهش در

دانشگاهها را گسترش داد [۱۱].

از سوی دیگر، بیشترین سهم از اعتبارات تحقیقاتی را

سازمانهای اجرایی به خود اختصاص می دهند. این

۵۹/۸ درصد است. این سهم برای مراکز تحقیقاتی ۳۱/۴

درصد و دانشگاهها و مراکز آموزش عالی حدود ۵/۸

درصد است [۱۲].

در این بخش اغلب وزارتخانهها و سازمانهای دولتی

اقدام به تأسیس مراکز و بخشهای تحقیقات

اقتصادی - اجتماعی نموده اند اما معمولاً سهم اعتباری این

بخشها نسبت به تحقیقات فنی به شدت پایین است؛

به طوری که تحقیقات علوم انسانی حدود ۱۴/۷ درصد،

تحقیقات اقتصادی ۱/۱ درصد و تحقیقات اجتماعی ۰/۵

درصد از کل بودجه عمومی را به خود اختصاص

می دهند [۱۲].

علاوه بر مراکز و مؤسسات و بخشهای تحقیقاتی در

وزارتخانهها و سازمانهای دولتی، اغلب ادارات روابط

عمومی نیز اقدام به راه اندازی واحدهای سنجش افکار

عمومی کرده اند و این واحدها بسته و گریخته،

فعالتهای نظرسنجی و پژوهشی محدودی را انجام

می دهند. همچنین در سالهای اخیر برخی از روزنامه های

دولتی نیز با توجه به نیاز مخاطبان خود اقدام به ایجاد

واحدهای نظرسنجی نموده اند و به صورت پراکنده این

امر را دنبال می کنند.

مهم ترین معضل در حال حاضر نبود یک رابطه

ترکیب و دو سویه میان مراکز تحقیقاتی وابسته به

وزارتخانهها و سازمانهای دولتی، دانشگاهها و مراکز

آموزش عالی است به طوری که دانشگاهها با نیاز واقعی

بخشهای اجرایی بیگانه اند و بخشهای اجرایی نیز این

مراکز را به دلیل تئوری پردازی و دوری از واقعیتهای

اجتماعی قبول ندارند [۱۳].

۲. مراکز و مؤسسات غیر دولتی: همان طور که قبلاً گفته

شد، انحصار انجام تحقیقات اجتماعی در ایران در دست

دولت است و به وسیله سازمانها و مؤسسات وابسته به

دولت انجام می گیرد. در سالهای اخیر سیاستهای پژوهشی

الهام گرفته از سیاستهای توسعه ای کشور و نیز از تجارب

جهانی موجب توجه بنیادی به شکل گیری و گسترش و

تهدیه ساختن تحقیقات و فرهنگ پژوهش در بخش

خصوصی و غیر دولتی شده است. برخی علل و عوامل

این رویکرد عبارت اند از:

۱. احساس نیاز و ضرورت به این واقعیت که تحقیقات

در کشور باید توسعه یابد.

۲. کمبود امکانات و عدم توانایی دانشگاهها و مراکز

تحقیقاتی وابسته به دولت در اجرای طرحهای پژوهشی

مورد نیاز جامعه

۳. نیاز به ارتقاء کیفی و کمی محققان در سطح کشور

۴. ضرورت گسترش تولی گری در امور اجتماعی،

فرهنگی و اقتصادی و سپردن برخی از امور به گروهها و

افراد جامعه

۵. جهت دهی آموزش، صنایع، تکنولوژی و... به سوی

۹۳

نوآوری، ابتکار، پویایی، درون‌زایی و بهره‌گیری بهینه از امکانات جامعه

۶. آگاهی و اعتقاد مدیریت سیاسی بر این نظر که بنیان هر برنامه‌ریزی و حرکت اجتماعی - فرهنگی بر تحقیق علمی استوار است.

۷. آگاهی نسبی به این واقعیت که نیروی محرکه توسعه پایدار در هر جامعه بستگی به نوع ماهیت و هویت تکنولوژی همان جامعه دارد.

۸. تلاش برای استقلال فکری، علمی و آموزشی دانشگاهها از طریق اتکاء به مطالعات و تحقیقات خودی و زنده کردن فرهنگ خودی [۹].

در بخش غیر دولتی اولین مؤسسه تحقیقاتی در سال ۱۳۵۷ تأسیس شد. تعداد مؤسساتی که تا سال ۱۳۷۱ در بخش غیر دولتی در ایران تأسیس شده است حدود ۳۱۵ مؤسسه یا شرکت می‌باشد که اکثر آنها یا در رشته‌های فنی، مهندسان مشاور و خدماتی بوده و یا فقط نام آنها به ثبت رسیده است بدون آنکه فعالیتی داشته باشند. تا چند سال اخیر می‌توان گفت مؤسسه تحقیقی در زمینه علوم اجتماعی و انسانی در بخش غیر دولتی در ایران تأسیس نشده بود. تنها در سالهای اخیر است که با توجه به سیاستهای توسعه‌ای کشور و سیاستهای توسعه پژوهش در ایران برخی افراد و گروهها اقدام به تأسیس مراکز علوم پژوهشی در بخش غیردولتی در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی نموده اند که اکثر این مؤسسات در رشته‌های علوم دینی، تاریخی و ادبیات کلاسیک فعالیت دارند [۹].

#### منابع

۱. دانشگاه انقلاب، شماره ۹۷، ص ۱۴.
۲. ریافت، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۷۵، ص ۸۲.
۳. مهدی، علی اکبر و عبدالعلی لسانی زاده، "جامعه‌شناسی در ایران"، ترجمه توشیح احمدی خراسانی، چاپ دوم، نشر توسعه، تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۹-۲۰.
۴. همان مأخذ، ص ۸۸.
۵. آزاد لرمکی، تقی، "جامعه‌شناسی در ایران" چاپ اول، نشر کلمه، تهران، ۱۳۷۸، صص ۳۳-۳۴.
۶. مهدی، علی اکبر و عبدالعلی لسانی زاده، "جامعه‌شناسی در ایران"، ترجمه توشیح احمدی خراسانی، چاپ دوم، نشر توسعه، تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۹-۲۰.
۷. ریافت، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۷۷، صص ۱۰۴-۱۰۵.
۸. ریافت، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، شماره ۲۰، بهار ۱۳۷۸، صص ۱۱۷-۱۱۹.
۹. سید علی، سید، "ساختار علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان"، شماره ۳، سال چهارم، ۱۳۷۷.
۱۰. ریافت، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۷۷، صص ۳۸-۳۹.
۱۱. عبدالعلی، مهدی، "جایگاه تحقیق و پژوهش در دانشگاهها"، فصلنامه علمی - تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم شهر، شماره ۲.
۱۲. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت پژوهشی، وضعیت تحقیقات مراکز علمی و پژوهشی، صص ۸۶-۸۷.
۱۳. تکبیر، شماره ۵۱، ۱۳۷۵، ص ۳۳. مهدی، علی اکبر و عبدالعلی لسانی زاده، "جامعه‌شناسی در ایران"، ترجمه توشیح احمدی خراسانی، چاپ دوم، نشر توسعه، تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۹-۲۰.